

# تروریسم یهودی یا صهیونیستی: تهدیدی دائمی علیه صلح<sup>۱</sup>

الن سی برونفلد

ترجمه: اسماعیل بقایی هامانه

غالباً هرگاه مسأله تروریسم در خاورمیانه مورد بحث قرار می‌گیرد، [صرفاً] تروریسمی مورد نظر است که توسط بنیادگرایان اسلامی و گروه‌های مخالف سازش با اسرائیل صورت می‌گیرد. البته در این که این نوع تروریسم پدیده‌ای خطرناک و مرگبار است، شکی وجود ندارد. این نوع اعمال تروریستی همچنان به عنوان تهدیدی جدی، نه تنها برای اسرائیل بلکه برای ایالات متحده و سایر کشورهای غربی و نیز آن دسته از دولت‌های عربی که با مخالفت شدید و طرح‌های براندازانه برخی گروه‌های اسلامی مواجه‌اند، مطرح می‌باشد.<sup>۲</sup>

آنچه که معمولاً کمتر مورد توجه قرار گرفته ولی تهدید عمده‌ای علیه چشم‌انداز صلح در

۱. مشخصات اصل مقاله به قرار زیر است:

Allan C. Brownfeld, "Jewish/Zionist Terrorism: A Continuing Threat to Peace" *Global Dialogue*, Vol. 2, No. 4 (Autumn 2000), pp. 107-117.

۲. این بخش از مقاله به خاطر رعایت امانت ترجمه شده است. بدیهی است مبارزات ملت فلسطین برای رهایی از سلطه اشغالگران و احقاق حق تعیین سرنوشت، مطابق معیارهای پذیرفته شده بین‌المللی از جمله بند ۴ ماده ۱ پروتکل شماره یک الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ در خصوص حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه، مشروع است و نباید به عنوان تروریسم تلقی شود.

خاورمیانه است، تروریسم یهودی یا صهیونیستی می‌باشد که سابقه‌ای طولانی اما ناشناخته دارد. ترور اسحاق رابین، نخست وزیر اسرائیل، توسط یک متعصب مذهبی سنت‌گرای افراطی<sup>۱</sup> به نام "یگال امیر"<sup>۲</sup> در چهارم نوامبر ۱۹۹۵، اذهان عمومی را متوجه تندروهای مذهبی اسرائیل نمود. سوء قصد کننده نه یک بیمار روانی مسلح، بلکه جوانی بود که در دامن نهادهای مذهبی راست‌گرایان افراطی پرورش یافته بود. بعد از این قتل، نه تنها در اسرائیل بلکه حتی در ایالات متحده، بسیاری او (یگال امیر) را به عنوان یک قهرمان مورد تمجید قرار دادند.

دو هفته قبل از این حادثه، ویکتور سیگلمن<sup>۳</sup>، خبرنگار هفته نامه فرانسوی "تول آبرواتور"<sup>۴</sup> در اسرائیل در مقاله‌ای به خصومت شدید برخی گروه‌های یهودی نسبت به رابین اشاره کرده بود. به گفته وی بنیادگرایان مذهبی طی مراسمی که یک روز پیش از عید "یام کپور"<sup>۵</sup> برگزار شد، با اجتماع در مقابل منزل رابین، دعای مذهبی "پولسا دنورا"<sup>۶</sup> - که نوعی نفرین و طلب مرگ است - را قرائت نمودند. وی از خانام‌هایی<sup>۷</sup> سخن گفته بود که خواستار اجرای حکم تلمودی<sup>۸</sup> دین ردف<sup>۹</sup>، که مجازات مرگ برای خائنان یهودی است، در مورد رابین شده بودند. سیگلمن هم‌چنین به اعلامیه‌هایی اشاره کرده بود که در ۱۵ اکتبر ۱۹۹۵ در جریان یک راهپیمایی عمومی در بیت‌المقدس توزیع گردیده بود. در این اعلامیه‌ها رابین در یونیفورم سربازان نازی نشان داده می‌شد. به نظر وی به این ترتیب "زمینه برای قتل نخست وزیر فراهم گردید." برخی مشکلات فنی باعث گردید انتشار مقاله سیگلمن تا پنج‌شنبه، ۲ نوامبر یعنی درست دو روز قبل از ترور رابین، به تأخیر افتد.<sup>(۱)</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

1. Ultra-Orthodox
2. Yigal Amir
3. Victor Cygielman
4. Le Nouvel Observateur
5. Yom Kippur
6. Pulsa da-nura
7. Rabbies

Talmudic A. مجموعه سنت‌های ربانی که قوانین و مقررات حضرت موسی را شرح و تفسیر می‌کند.

9. Din rodef

## وعدۀ خداوند

براساس مطالعاتی که مایکل کارپین<sup>۱</sup> و اینا فریدمن<sup>۲</sup> در مورد ترور رابین انجام داده‌اند، بیگال امیر براین باور بوده است که:

تنها یک راهکار برای تثبیت مرزهای سرزمین اسرائیل وجود دارد، خداوند به [حضرت] ابراهیم این چنین وعده داد: «من این سرزمین، از رود مصر تا رود کبیر، رود فرات، را از آن ذریۀ تو خواهم نمود.» (سفر پیدایش، باب ۱۵، آیه ۱۷) امروزه این مرزها بخش اعظم خاورمیانه، از مصر تا عراق را در برمی‌گیرد... متعصبین یهودی، [تحقق] این فراز را خواست خداوند می‌دانند و معتقدند که مشیت الهی به هر قیمتی باید محقق گردد. هیچ کس حق ندارد به مرزهایی کمتر از این رضا دهد. بنابراین مذاکره در مورد پیمان صلح با همسایگان اسرائیل غیر قابل پذیرش است.<sup>(۲)</sup>

یکی از فعالانی که امیر ارزش زیادی برایش قایل می‌باشد، باروخ گلدشتاین<sup>۳</sup> است؛ گلدشتاین که پزشک و اهل شهرک کریات عرب<sup>۴</sup> در نزدیکی هیرون بود، در ۲۵ فوریه ۱۹۹۴، بیست و نه فلسطینی را در حال ادای نماز صبح در قبه الصخره<sup>۵</sup> به رگبار مسلسل بست. در میان نظریه پردازان، امیر علاقه ویژه‌ای به نوآم لیونات<sup>۶</sup>، مدرس مدرسه دینی<sup>۷</sup> یوسف شای (یوسف هنوز زنده است) در نابلس، دارد. مدیر این مدرسه، خاخام اسحاق گینزبرگ<sup>۸</sup>، بارها

1. Michael Karpin
2. Ina Friedman
3. Baruch Goldstein
4. Kiryat Arab
5. Cave of the Rock
6. Noam Livnat
7. Yeshiva
8. Yitzhak Ginzburg

اعلام کرده که<sup>۱</sup> (ارزش) خون یهود با خون غیریهود یکی نیست<sup>۲</sup> و به این ترتیب نوعی آموزه (دکترین) نژادپرستانه ارایه نموده است. وی از اقدام یکی از طلاب این مدرسه در سال ۱۹۹۳، در تیراندازی به کارگران فلسطینی که در کنار یک بزرگراه واقع در نزدیکی تل آویو ایستاده بودند، دفاع کرد و مدتی بعد با روخ گلدشتاین را به خاطر کشتار اعراب در هیرون مورد تمجید قرار داد. به گفته گینزبرگ، وی بین قتل یهودیان و قتل غیریهودیان تفاوت قایل می‌شود، زیرا تورات حرمت اندکی برای اولی [قتل غیریهودیان] و حرمت فراوانی برای دومی [قتل یهودیان] قایل شده است.

قضیه گلدشتاین به وضوح نمایانگر ارتباط موجود بین افراطی‌گری یهودی در ایالات متحده و اسرائیل می‌باشد. گلدشتاین، ستیزه جوی اهل نیویورک و عضو جامعه دفاع از یهودیان<sup>۱</sup> بود. جامعه دفاع از یهودیان، در ماه مه ۱۹۶۸ توسط میرکاهانه، که پیروانش را ترغیب به مهاجرت به اسرائیل می‌نمود و خواستار اخراج تمامی اعراب از کرانه غربی بود، در شهر نیویورک تأسیس گردید. گلدشتاین با کشتار گروهی از فلسطینیان، در نظر بسیاری از شهرک نشین‌های اسرائیلی به یک قهرمان تبدیل شد. خاخام یعقوب پر<sup>۲</sup>، در مراسم تشییع جنازه وی اعلام کرد: «یک ناخن یهودی بیشتر از جان یک میلیون عرب ارزش دارد.»

شمویل هاکن،<sup>۳</sup> مدرس یک کالج در بیت‌المقدس نیز در این مراسم گفت: «باروخ گلدشتاین از هر جهت بزرگ‌ترین یهودی در زمان حیات خود بود. در اینجا هیچ فرد عربی بی‌گناه نیست... گلدشتاین به هیچ وجه دیوانه نبود... آدمکشی کار خوبی نیست اما گاهی اوقات لازم است.»

هدف اعلام شده انجمن دفاع از یهودیان، مقابله با ضدیهودیت‌گرایی<sup>۴</sup> و حمایت از نهادهای دولتی مسؤول حفظ نظم و قانون بود. اما اندک زمانی بعد، گشت‌های خیابانی آن به خشونت و خرابکاری گرایش پیدا کرد. در ژانویه ۱۹۷۲، انجمن دفاع از یهودیان تصمیم گرفت

- 
1. Jewish Defense League
  2. Yaacov Perrh
  3. Shmuel Hacoheh
  4. Anti- Semitism

مدیر ۸۳ ساله یک سالن نمایش به نام سل هروک،<sup>۱</sup> که مشغول تهیه مقدمات اولین اجرای یک گروه موسیقی روسی بود، را به قتل برساند. آنها اقدام به بمب‌گذاری در ساختمان وی، در ناحیه مرکزی شهر مانهاتان، نمودند که بر اثر انفجار آن، یک زن ۲۷ ساله یهودی به نام ایریس کنس<sup>۲</sup> که در بخش حسابداری کار می‌کرد، کشته شد. ظاهراً هدف انجمن دفاع از یهودیان از این عملیات جلب توجه افکار عمومی نسبت به وضعیت ۲/۱ میلیون نفر یهودی ساکن در اتحاد جماهیر شوروی بود. به نظر رونالدنف:<sup>۳</sup>

عامه مردم از این واقعیت خبر نداشتند که اقدامات ضد شوروی توسط چندین ستیزه‌جوی اسرائیلی، از جمله [اعضای] سازمان جاسوسی موساد، اسحاق شامیر که بعدها به نخست‌وزیری اسرائیل رسید، و گولا کوهن،<sup>۴</sup> از رهبران حزب افراطی تهیا<sup>۵</sup> و عضو کنیست (پارلمان) اسرائیل هماهنگ می‌شد. هدف آنها اختلال در روابط ایالات متحده و شوروی بود. آنها تصور می‌کردند که مسکو به منظور بهبود روابط خود [با آمریکا] اجازه خواهد داد تعداد بیشتری از یهودیان شوروی به اسرائیل مهاجرت کنند.<sup>(۳)</sup>

نتایج یک بررسی که در سال ۱۹۸۵ توسط اداره تحقیقات فدرال آمریکا (اف.بی.آی) در مورد اعمال تروریستی ارتكابی در ایالات متحده از سال ۱۹۸۱ انجام شد، نشان می‌دهد که از هیچ‌جده عمل تروریستی ارتكابی توسط یهودیان، پانزده مورد توسط انجمن دفاع از یهودیان صورت گرفته است. بررسی دیگری نیز در سال ۱۹۸۶ از سوی اداره انرژی آمریکا در مورد تروریسم داخلی انجام شد که نشان می‌داد: «طی بیش از دو دهه، انجمن دفاع از یهودیان، یکی از

1. Sol Hurok
2. Iris Kones
3. Ronald Neff
4. Guelah Cohen
5. Tehiya

فعال‌ترین گروه‌های تروریستی در ایالات متحده بود... از سال ۱۹۶۸، اقدامات تروریستی انجمن دفاع از یهودیان باعث مرگ ۷ نفر و زخمی شدن دست‌کم ۲۲ نفر گردیده است.<sup>۱</sup> در سال ۱۹۸۵، آلكس اده<sup>۱</sup>، مدیر منطقه‌ای کمیته عربی-امریکایی مبارزه با تبعیض، در سانتا آنای<sup>۲</sup> کالیفرنیا بر اثر انفجار بمبی که در دفتر کار وی کار گذاشته شده بود، کشته شد. دونالدنف در این رابطه می‌نویسد:

آده شب قبل از حادثه در یک برنامه تلویزیونی، باسر عرفات را "مرد صلح" خوانده بود. انجمن دفاع از یهودیان، این بمب‌گذاری را مورد تمجید قرار داد ولی هرگونه دخالتی در این حادثه را انکار کرد. این، رویه همیشگی انجمن در چنین مواردی بود. یکی از مظنونان حادثه به نام رابرت منینگ<sup>۳</sup>، عضو رسمی انجمن دفاع از یهودیان بود. وی به اتفاق همسرش، روشل<sup>۴</sup> به اسرائیل رفت و در آنجا به "نیروهای نظامی اسرائیل"<sup>۵</sup> پیوست. مأموران اف.بی.آی منینگ و چند نفر دیگر را مظنون به دست داشتن در رشته حوادث خشونت‌آمیز در سال ۱۹۸۵ می‌دانستند. پلیس اسرائیل سرانجام در ۲۴ مارس ۱۹۹۱، منینگ را دستگیر کرد. به رغم این که وی قویاً مظنون به قتل آده بود، به اتهام جداگانه‌ای که مربوط به قتل فرماندار کالیفرنیا، پاتریشیا ویکرسون<sup>۶</sup> در سال ۱۹۸۰ توسط بمب پستی بود، مورد محاکمه قرار گرفت.

رابرت منینگ عاقبت در ۱۸ ژوئیه ۱۹۹۳ به ایالات متحده

1. Alex Odeh
2. Santa Ana
3. Robert Manning
4. Rochelle
5. Israel Defense Forces
6. Patricia Wilkerr Son

مستر گردید و در ۱۴ اکتبر ۱۹۹۳، مجرم شناخته شد و به حبس ابد محکوم گردید. (۴)

## نفوذ کاهانه

میرکاهانه،<sup>۱</sup> در سال ۱۹۷۱ به اسرائیل مهاجرت کرد و تا سال ۱۹۸۴ آنقدر معروف شده بود که توانست به نامزدی از حزب خودش، حزب کاخ<sup>۲</sup>، یک کرسی کنیست را تصاحب کند. وی تلاش فراوانی در جهت تصویب طرح قانونی «مانعت از همسانی یهودیان و غیریهودیان و [حفظ] تقدس ملت یهود نمود.» از جمله تدابیر پیشنهادی در این قانون، در نظر گرفتن سواحل مجزا برای یهودیان و غیریهودیان، و پایان دادن به اردوگاه‌های تابستانی و مراکز اجتماعی مختلط بود. مطابق قانون پیشنهادی کاهان، «از دواج یهودیان با غیریهودیان ممنوع است... اینگونه ازدواج‌ها به رسمیت شناخته نخواهد شد، ولو اینکه در کشورهایی که آنها (اینگونه زوج‌ها) زندگی می‌کردند، قانونی بوده باشد... برقراری هر نوع رابطه جنسی توسط یهودیان با غیریهودیان ممنوع است... افراد متخلف به دو سال حبس محکوم خواهند شد.»

یکی از نمایندگان کنیست از حزب لیکود به نام مایکل ایتان<sup>۳</sup>، قانون پیشنهادی کاهان را به قوانین ضد یهود نورنبرگ تشبیه کرد که در ۱۵ سپتامبر ۱۹۳۵، زیر عنوان «قانون شهروندی رایش» و «قانون محافظت از خون و حیثیت آلمانی» در آلمان نازی به تصویب رسید.

احود اسپرینزاک،<sup>۴</sup> استاد دانشگاه هبرون در بیت المقدس، در کتابی که پیرامون خشونت و برادر کشی در اسرائیل نگاشته است، توضیح می‌دهد که چگونه کاهانه تصاحب کرسی نمایندگی کنیست در سال ۱۹۸۴ را جشن گرفته بود:

یک روز پس از انتخابات، کاهانه و طرفدارانش به مناسبت پیروزی وی، راهپیمایی‌ای را به طرف دیوار غربی بیت المقدس قدیم ترتیب دادند طرفداران کاهانه گستاخانه از میان بخش

1. Mir kahane

2. Kach

3. Michael Eitan

4. Ehud Sprinzak

عرب نشین شهر رژه رفتند، با خشونت از وسط بازار گذشتند، پیشخوان‌های مغازه‌ها و ظروف سبزیجات و میوه‌ها را واژگون کردند و عابران را مورد حمله قرار دادند... و اعراب وحشت زده را تهدید می‌کردند که زمان اخراج آنها از ارض مقدس نزدیک است.<sup>(۵)</sup>

[در همان زمان] یک خرده فرهنگ جدید مبتنی بر خشونت به سرعت در اسرائیل در حال شکل‌گیری بود. در ۲۷ آوریل ۱۹۸۴، حادثه دیگری کشور را تکان داد؛ توطئه انفجار پنج اتوبوس حامل مسافران عرب در ساعت اوج ترافیک، کشف و خنثی گردید. طی چند روز، ۲۷ نفر عضو یک گروه تروریستی ضد عرب که مظنون به مشارکت در این توطئه بودند، بازداشت شدند. به زودی مشخص شد که دستگیر شدگان، در یک بمب‌گذاری تروریستی در سال ۱۹۸۰ نیز دست داشته‌اند. در آن حادثه دو نفر از شهروندان عرب ناحیه کرانه غربی دچار نقص عضو شده بودند. علاوه بر این، چندین نفر از اعضای گروه، مسؤلیت اقدامات متعدد تروریستی ضد عربی از جمله حمله به کالج اسلامی هبرون در سال ۱۹۸۳، که باعث کشته شدن ۳ دانشجو و زخمی شدن ۳۳ نفر دیگر شده بود را پذیرفتند.<sup>(۶)</sup>

ظهور جنبش ستیزه‌جوی گوش امونیم<sup>۱</sup> در منطقه کرانه غربی که متشکل از یهودیان شهرک نشین بود، به تدریج فلسفه بنیادگرایی و موعودیت<sup>۲</sup> نوینی را به بار آورد که در گسترش تروریسم نقش زیادی داشته است. مطابق مشی سنتی، یهودیان معتقد بودند که مسیح موعود در قالب و شمایل یک فرد ناجی ظهور خواهد کرد. اما اکنون حکومت غیردینی<sup>۳</sup> اسرائیل، در جایگاه این مقام قدسی و نجات بخش قرار داده شده است. پیروزی اسرائیل در جنگ ژوئن ۱۹۶۷، بسیاری را به این باور رساند که در عصر موعود مسیحایی زندگی می‌کنند. خاخام کوک<sup>۴</sup> رهبری

- 
1. Gush Emunim
  2. Messianism
  3. Secular
  4. Rabbie Zvi Yehuda Kook



این جنبش بنیادگرا را بر عهده داشت. وی دولت اسرائیل را به عنوان هلاکیک<sup>۱</sup> (شریعت یهودی) پادشاهی [باستانی] اسرائیل<sup>۲</sup> و پادشاهی اسرائیل را به عنوان ملکوت آسمانها بر روی زمین تعریف می کرد. [در نتیجه] فرد فرد یهودیان ساکن در اسرائیل، مقدس محسوب می شدند.

### ارض مقدس اسرائیل

احود اسپرینزاک معتقد است که مهم ترین پیامد این الهیات جدید، در ارتباط با ارتس اسرائیل<sup>۳</sup>، ارض مقدس اسرائیل، تجلی یافت:

از دیدگاه بنیادگرایانه، ذره ذره خاک این سرزمین مقدس است. سرزمین های اشغالی جودیو<sup>۴</sup> و ساماریا<sup>۵</sup> (کرانه غربی) بخش جداناشدنی سرزمین اسرائیل محسوب می شود که مذاکره در مورد آن محال است؛ نه به خاطر نگرانی های امنیتی بلکه به این دلیل که خداوند چهار هزار سال قبل آنها را به [حضرت] ابراهیم وعده داد و نیز به این علت که هویت ملت اسرائیل بر پایه این وعده الهی شکل گرفته است. تنها در متن سرزمین پهناورتر اسرائیل، رهایی و نجات امکان پذیر می گردد و لذا عقب نشینی از این سرزمین ها به معنی از دست دادن [امکان] فلاح و رستگاری است.<sup>(۷)</sup>

شدیدترین واکنش در قبال پیمان کمپ دیوید، که در سپتامبر ۱۹۷۸ بین اسرائیل و مصر به امضا رسید، تشکیل "سازمان زیرزمینی یهود"<sup>۶</sup> بود. این گروه در ابتدا به عنوان یک تیم ویژه ترور

1. Halakhic
2. Israeli Kingdom
3. Eretz Israel
4. Judeo
5. Samaria
6. Jewish Underground

شناخته می‌شد که هدفش انتقام‌گیری از حملات تروریستی سازمان آزادیبخش فلسطین بود. اما در واقع هدف عمده‌گروه مزبور که در رأس برنامه‌های اولیه آن قرار داشت، منفجر کردن قبه الصخره<sup>۱</sup> بود که با عنوان نجاست<sup>۲</sup> از آن نام می‌بردند. قبه الصخره یکی از مهم‌ترین اماکن مقدسه مسلمانان است. یهودیان بر این باورند که این زیارتگاه تقریباً درست بر روی [ویرانه‌های] معبد یهودیان که دو هزار سال پیش تخریب شد، بنا گردیده است.

پیشنهاد منفجر کردن قبه الصخره را اول بار دو صهیونیست بنیادگرا به نام‌های بن شوشان و اتسیون<sup>۳</sup> مطرح نمودند. آنها در صدد احیای مملکت باستانی و مذهبی اسرائیل و ساختن "سومین معبد" بودند. تحقق این هر دو هدف مستلزم از بین بردن قبه الصخره بود. در سال ۱۹۸۰، اتسیون یک جلسه سری برگزار کرد که طی آن عملیات تخریب به طور دقیق و جزء به جزء مورد بررسی قرار گرفت. توطئه کنندگان از دانش فنی لازم برای اجرای طرحشان برخوردار بودند. اما چون موفق نشدند خاخامی را که مایل به تأیید نقشه‌شان [از لحاظ مذهبی] باشد، بیابند به ناچار از اجرای نقشه خود منصرف شدند. توطئه قبه الصخره مدت‌ها بعد یعنی در جریان دستگیری اتسیون و دیگر اعضای "سازمان زیرزمینی یهود" در ارتباط با طرح ناموفق انفجار پنج اتویوس حامل اعراب در ۱۹۸۴، کشف شد. چنانچه این توطئه عملی شده بود نتایج فاجعه‌باری به بار می‌آورد که کمترین آن، بروز جنگ بین اسرائیل و مسلمانان خشمگین بود. مضافاً این که احتمال حمایت شوروی و آمریکا از متحدان خود در این منازعه و خطر یک رویارویی هسته‌ای بین دو ابرقدرت نیز وجود داشت.

شوریه و آمریکا از متحدان خود در این منازعه و خطر یک رویارویی هسته‌ای بین دو ابرقدرت نیز وجود داشت.

خصوصیت ورزی نسبت به غیر یهودیان  
گرایش به تحقیر غیر یهودیان در میان تروریست‌های صهیونیست، ذاتی است. چنانکه به گفته یهودا اتسیون: «برای غیر یهود زندگانی عمدتاً به معنی وجود داشتن<sup>۴</sup> است، در حالی که

- 
1. Cave of the Rock
  2. Abomination
  3. Yeshua Ben Shoshan and Yehuda Etzion
  4. Life of existence

حیات ما یک حیات مقدر<sup>۱</sup> است، حیات یک مملکت متشکل از روحانیان و مردمان مقدس. ما در این جهان وجود داریم تا اراده و مشیت الهی را محقق سازیم.»<sup>(۸)</sup>

پی آمد تحقیر، کینه و دشمنی است. خاخام کاهانه علناً خواستار انتقام‌گیری علیه غیر یهودیان به علت قرن‌ها آزار و اذیت یهودیان شده بود:

مشت یهود بردهان جهان حیرت‌زده غیر یهود، چیزی که به مدت دو هزار سال ندیده بود، و این کیدوش هاشم<sup>۲</sup> (تقدیس نام خداوند) است. سیطره یهود بر اماکن مقدسه مسیحی، در حالی که کلیسا که زمانی خون ما را می‌مکید اکنون با ناکامی و خشم آن را برمی‌گرداند، و این کیدوش هاشم است. نیروی هوایی یهود که از هر قدرت دیگری برتر است و یک هواپیمای مسافری لبنان را مجبور به فرود می‌کند تا ما بتوانیم قاتلان یهودیان را به زندان افکنیم و دیگر مجبور به تکرار عادت کهن و طولانی التماس از جهان غیر یهودی برای دفاع از یهود نباشیم، و این کیدوش هاشم است.<sup>(۹)</sup>

کاهان نتیجه می‌گیرد که «توسل به خشونت از سوی یهودیان برای دفاع از منافع یهود، به هیچ وجه کار بدی محسوب نمی‌شود.» وی خواستار بیرون راندن شهروندان عرب اسرائیل و نیز فلسطینیان از سرزمین‌های اشغالی بود.

باروخ گلدشتاین، دانشجوی خصوصی کاهانه بود و در سال ۱۹۸۳ به عنوان سومین نامزد حزب کاهانه، حزب کاخ، برای احراز کرسی نمایندگی کنیست، در فهرست نامزدهای پیشنهادی این حزب قرار گرفت. بعد از انعقاد پیمان اسلو، که به نظر گلدشتاین فاجعه‌ای برای اسرائیل بود، وی به این باور رسید که تنها یک اقدام شدید "کیدوش هاشم" می‌تواند کشور اسرائیل را به صراط مسیحایی مقدر بازگرداند.<sup>(۱۰)</sup> نتیجه [این بینش] کشتار هبرون بود.

- 
1. Life of destiny
  2. Kiddush Hashem

## بدنام کردن رایین

در جریان ترور نخست وزیر اسحاق رایین، که شاید برجسته‌ترین نمونه تروریسم یهودی به شمار آید، تمامی فلسفه‌ها و عناصر گوناگون ملی‌گرایی افراطی به میدان آمدند. به عقیده اسپرینزاک، ترور رایین درحقیقت اتفاق نیفتاد. گرچه امیر به تنهایی دست به ترور زد، اما این اقدام او را باید نتیجه‌ی غایی فرآیند مشروعیت‌زدایی از دولت اسرائیل دانست که توسط ملی‌گرایان افراطی هدایت می‌شد. پیمان ۱۹۹۳ اسلو باعث تشدید افراط‌گرایی احیا شده‌ی جریان‌های راست‌گرا گردید، اما «شمارش معکوس برای ترور [اسحاق رایین] به مجرد کشتار هبرون در سال ۱۹۹۴، شروع شد.»<sup>(۱۱)</sup>

هنگامی که رایین قدرت را در دست گرفت، هفته‌نامه هاشاونا<sup>۱</sup> (هفته) که متعلق به سنت‌گرایان افراطی است و توسط آشر زوکرمن<sup>۲</sup> منتشر می‌شد، حملات شدیدی را علیه وی آغاز کرد. در این نشریه به طور مکرر از واژه‌هایی چون «کاپو»، «ضد یهود» و «دروغگوی دیوانه» علیه رایین استفاده می‌شد. این هفته‌نامه که توسط حدود ۲۰ درصد از سنت‌گرایان افراطی مطالعه می‌شود، در یکی از شماره‌های خود مجموعه نظراتی را در این مورد که آیا رایین مستحق مرگ است و نیز در مورد روش مناسب برای اعدام او منتشر کرد. در تابستان ۱۹۹۵، هاشاونا تا آنجا پیش رفت که رایین و وزیر خارجه‌اش، شیمون پرز، را متهم کرد که «کشور و شهروندان اسرائیلی را به سوی نابودی سوق می‌دهند و باید در برابر جوخه آتش قرار گیرند.»<sup>(۱۲)</sup>

متعاقب آن گروهی از خاخام‌های اصول‌گرا فتوای قتل اسحاق رایین را دادند. این خاخام‌ها هم در اسرائیل و هم در خارج، دو مفهوم دینی منسوخ را مجدداً احیاء نمودند: ۱- مفهوم دین ردف<sup>۳</sup> (وظیفه کشتن یهودی‌ای که جان و مال یهودی دیگر را در معرض خطر قرار دهد) و ۲- مفهوم دین موزر<sup>۴</sup> (وظیفه قتل یهودی‌ای که در صدد است دیگر یهودیان را به انقیاد غیر یهود درآورد). خاخام‌ها استدلال می‌کردند که رئیس دولت اسرائیل به دلیل واگذاری حکومت بخش‌هایی از ارض مقدس اسرائیل به مقامات فلسطین، یک موزر (خبرچین و هم‌دست

1. Hashavna
2. Asher Zuckerman
3. Din rodef
4. Din moser

غیر یهودیان) محسوب می‌شود. به این ترتیب آنها عملاً اقدامات خشونت آمیز افراطیون یهودی علیه اسحاق رابین را از لحاظ دینی مشروع اعلام کردند.<sup>(۱۳)</sup>

در سال ۱۹۹۵، گروهی از شاخام‌ها طی ملاقاتی با ساموئل هلاندر،<sup>۱</sup> یکی از وزرای اصول‌گرای کابینه اسرائیل که برای گذراندن تعطیلات مقدس<sup>۲</sup> به نیویورک آمده بود، به وی گفتند که رئیس او [اسحاق رابین] هم مشمول حکم "موزر" می‌شود و هم مشمول حکم "ردف".<sup>۳</sup> شاخام ابراهام هخت<sup>۴</sup>، رئیس کنیسه بزرگ شاری صهیون<sup>۴</sup> در شهر نیویورک، آنچه را که همکارانش در محافل خصوصی می‌گفتند، آشکارا بر زبان راند. وی در مصاحبه با نشریه نیویورک در ۱۹ اکتبر ۱۹۹۵، اظهار عقیده کرد که «رابین دیگر یهودی محسوب نمی‌شود. براساس قوانین مذهبی یهود، هرکس که طوعاً، آگاهانه و به عمد، [اختیار] ابدان، زمین‌ها یا اموال افراد یهودی را به بیگانگان واگذار کند، مرتکب معصیتی شده که مجازات آن مرگ است. و به نظر می‌مندی<sup>۵</sup> این، یک حکم صریح و روشن است؛ هرکس چنین فردی را به قتل برساند، عمل پسندیده‌ای انجام داده است.»

در سال ۱۹۹۵، تعطیلات عید "پوریم"<sup>۶</sup> به فرصتی برای برگزاری یک مراسم ویژه راستگرایان افراطی، یعنی بزرگداشت سالگرد کشتار هبرون و مرگ گلدشتاین، تبدیل شد. نوعی کیش شخصیت حول محور گلدشتاین ظهور یافت و خاطره وی نیروی محرکه جدیدی برای جنبش منحل کاهانه فراهم نمود. در مارس ۱۹۹۵، یک یادنامه ۵۵۰ صفحه‌ای به زبان عبری منتشر شد که ترجمه عنوان آن از این قرار بود: "باروخ جوانمرد: یادنامه‌ای برای دکتر باروخ گلدشتاین قدیس. خداوند انتقام او را بگیرد". پیام اصلی این یادنامه که توسط یک شهرک نشین اهل جولان به نام مایکل بن هارین،<sup>۷</sup> تدوین شده بود را شاخام اسحاق گینزبرگ،<sup>۸</sup> رئیس مدرسه مذهبی افراطی "بقعه یوسف" در نابلس به خوبی درک کرد. گینزبرگ در سال ۱۹۸۸ با تأیید اقدامات چند نفر از

- 
1. Samuel Hollander
  2. High Holy Days
  3. Abraham Hecht
  4. Sharei Zion
  5. Maimonides
  6. Purim
  7. Michael Ben Horin
  8. Yitzhak Ginzburg

دانشجویانش، که به تنهایی و خودسرانه غیرنظامیان فلسطینی را هدف گلوله قرار داده بودند، جنجال زیادی به پا کرد. وی اعلام نمود که کشتن افراد غیرجنگجوی<sup>۱</sup> فلسطینی از لحاظ دینی کاملاً مشروع است. به نظر وی گلدشتاین نه یک مجرم و آدم‌کش، بلکه مردی پرهیزگار و دارای عقاید عمیق مذهبی بود. به نظر گینزبرگ «دربارۀ ارزش و اهمیت حیات و بقای اسرائیل، باید گفت حیات اسرائیل خیلی بیشتر از زندگی غیریهود ارزش دارد و چنانچه برای صیانت از اسرائیل لازم باشد صدمه زدن به غیریهود مجاز است، ولو اینکه آنها قصد آسیب رساندن به اسرائیل نداشته باشند.» وی کشتار هبرون را «یک لحظه درخشان»<sup>۲</sup> نامید. (۱۴)

امیر، قاتل رابین، با حرص و ولع یادنامه «باروخ جوانمرد» را مطالعه کرده بود. وی در مورد ترور رابین به بازجویانش اینگونه گفت: «چنانچه حکم شرعی "دین ردف" که توسط چند خاخام علیه رابین صادر شده بود و من از آن اطلاع داشتم، وجود نمی‌داشت برایم بسیار مشکل بود که اقدام به قتل کنم. همگان باید از این ترور حمایت کنند. من اگر مورد حمایت قرار نمی‌گرفتم و نماینده تعداد زیادی از مردم نبودم، دست به این اقدام نمی‌زدم.» (۱۵)

### یک سنت کهن

تروریسم صهیونیستی پدیده‌ی جدیدی نیست. بررسی تاریخ فلسطین قبل از تأسیس اسرائیل، شواهد فراوانی دال بر وجود گرایشات تروریستی در بین بسیاری از فعالان صهیونیست در اختیار ما خواهد گذارد. این گرایشات تروریستی منجر به اقدامات خشونت‌آمیزی گردید که باعث مرگ هم‌کیشان یهودی، و دیگر کسانی که به نحوی در مسائل سیاسی مرتبط با تأسیس اسرائیل درگیر بودند، شد. برخی از عمده‌ترین نمونه‌های این اقدامات تروریستی به قرار زیر است:

- در سال ۱۹۳۳، یک سیاستمدار جوان عضو جناح کارگر به نام خایم آرلوسوروف،<sup>۳</sup> که ظاهراً قرار بود اولین نخست وزیر دولت آینده یهود شود، در هنگام پیاده‌روی در سواحل تل‌آویو هدف

- 
1. Non- Combatants
  2. Shining moment
  3. Chaim Arlosorof

گلوله قرار گرفت و به قتل رسید. قتل وی در اوج تبلیغات منفی که توسط یک گروه کوچک متشکل از صهیونیست‌های دست راستی موسوم به "میثاق تروریست‌ها"<sup>۱</sup> علیه او انجام می‌شد، صورت گرفت (گروه مزبور نام خود را از "هابیریونیم"<sup>۲</sup> اقتباس کرده بودند؛ آنها افراد خودسری بودند که در زمان شورش یهودیان علیه رم باستان، خائنان یهودی و هم‌دستان امپراطوری روم را مورد حمله قرار می‌دادند). آرلوسوروف، به این علت مورد غضب راست افراطی واقع شد که در صدد مذاکره با مقامات آلمان نازی برای رهایی یهودیان ثروتمند آلمانی برآمده بود. شرط دولت آلمان این بود که این بازرگانان از ثروت خود برای خرید کالا‌های آلمانی و آوردن آن به فلسطین استفاده کنند. این قتل گرچه هیچ‌گاه در دادگاه به اثبات نرسید، اما باعث لکه دار شدن تصویر جنبش تجدید نظر طلب گردید و سبب شد که بسیاری آن را به عنوان یک گروه فاشیستی و تروریستی بشناسند.

- در بحرانی‌ترین روزهای جنگ جهانی دوم، هنگامی که بریتانیا یک تنه در برابر آلمان نازی مقاومت می‌کرد، گروه لهی<sup>۳</sup> (مبارزان راه آزادی اسرائیل) که در سال ۱۹۴۰ توسط آبراهام استرن<sup>۴</sup> تأسیس شده بود، برضد بریتانیا وارد جنگ شد. در آن زمان که همه گروه‌های یهودی در فلسطین که علیه بریتانیا مبارزه می‌کردند اعلام آتش بس نموده بودند و دعا می‌کردند که نیروهای متحد در برابر حمله نازی‌ها در سال‌های ۴۲-۱۹۴۰ تاب مقاومت آورند، جنگجویان لهی اقدام به بمب‌گذاری در تأسیسات و محل‌های استقرار نیروهای انگلیسی نموده و سربازان بریتانیایی را به قتل می‌رساندند. رهبران این گروه حتی پیام‌های حمایت‌آمیز برای آلمان‌ها فرستادند و به آنها پیشنهاد کردند که در ایجاد نظام جهانی نازی در آینده، با آنها همکاری کنند.

- در ۶ نوامبر ۱۹۴۴، اعضای گروه لهی، لرد مین،<sup>۵</sup> عضو کابینه جنگ بریتانیا که به عنوان نماینده دولت در امور خاورمیانه انجام وظیفه می‌کرد را در قاهره به قتل رساندند. دلیل قتل وی چه بود؟ لهی براین گمان بود که وی مانع ورود آوارگان یهودی به فلسطین است.

1. Brith Habirionim
2. Habirionim
3. Lehi
4. Abraham Stern
5. Lord Moyne

- در ۲۲ ژوئیه ۱۹۴۶، اعضای گروه تروریستی صهیونیستی ایرگون،<sup>۱</sup> هتل کینگ دیوید<sup>۲</sup> در بیت‌المقدس که به عنوان مرکز اداری و تشکیلاتی بریتانیا در فلسطین مورد استفاده قرار می‌گرفت را منفجر نمودند. بیش از هشتاد غیرنظامی از جمله تعداد زیادی یهودی کشته شدند.

- در ۹ آوریل ۱۹۴۸، ایرگون و لهی (مشترکاً) به روستای فلسطینی دیرباسین یورش بردند. دیرباسین که در تپه‌های واقع در حومه بیت‌المقدس قرار دارد، به هیچ وجه تهدیدی برای نیروهای صهیونیستی به حساب نمی‌آمد. ساکنان دیرباسین افرادی منفعل<sup>۳</sup> قلمداد می‌شدند و رهبران آن با رهبران بخش هم‌جوار یهودی، گیوان شاول<sup>۴</sup>، موافقت کرده بودند که مانع از حمله مردم خود به طرف مقابل شوند. تهاجم ایرگون و لهی در روز جمعه و با رضایت ضمنی هاگانا، که جناح اصلی سازمان دفاع از یهودیان بود، صورت گرفت. به کلیه ساکنان روستا دستور داده شد، در میدان عمومی روستا جمع شوند. در آنجا آنها را در برابر دیوار به صف کرده و بیش از یک صد نفر از این غیرنظامیان را کشتند. خبر این قتل عام به سرعت پخش شد و باعث فرار صدها هزار نفر از فلسطینیان و حشت زده از وطنشان گردید.

بیشتر قربانیان کشتار دیرباسین، زنان، کودکان و افراد سالخورده بودند. در زمان وقوع حادثه، مردان روستا برای کار به بیت‌المقدس رفته بودند و در روستا حضور نداشتند. رهبر ایرگون، مناخیم بگین، بعد از پایان حمله پیام شادباشی را به این شرح برای نیروهایش ارسال نمود: «تبریک مرا به مناسبت این پیروزی با شکوه بپذیرید... در همه جا همانند دیرباسین به دشمن حمله خواهیم کرد و آنها را شکست خواهیم داد. خدایا، خداوندا، تو خود ما را برای پیروزی برگزیده‌ای.»

دیوید شیپلر، رئیس دفتر نمایندگی نیویورک تایمز در بیت‌المقدس که از سال ۱۹۷۹ تا سال ۱۹۸۴ در این سمت مشغول به کار بود، معتقد است:

جنگجویان یهودی که حمله به دیرباسین را طراحی نمودند، هدف مهم‌تری را دنبال می‌کردند. یک زن اهل بیت‌المقدس و

1. Irgun
2. King David Hotel
3. Passive
4. Givan Shaul



فرزندش که چند ساعت قبل از انجام مأموریت در بامداد آن روز به تعدادی از جنگجویان قهوه دادند، به خاطر می آورند که چریک‌ها با هیجان پیش‌بینی می‌کردند که رعب و وحشت [ناشی از اجرای طرح قتل عام] بسیار فراتر از روستای دیر یاسین برود و باعث فرار گسترده اعراب شود. شاید به همین دلیل بود که چریک‌ها جسد کشته شدگان را دفن نکردند تا دیگران شاهد آن باشند. افراد باقی‌مانده نیز که به اسارت خود در آورده بودند را با چشم‌ها و دست‌های بسته در عقب کامیون‌ها جای داده و در خیابان‌های بیت‌المقدس گرداندند، منظره‌ای که هنوز هم یادآوری آن لرزه براندام یهودیانی که شاهد آن بودند، می‌آندازد. (۱۶)

- نمونه‌های متعدد دیگری از کشتار اعراب وجود دارد. یک مورد در ۲۹ اکتبر ۱۹۵۶، یک روز قبل از آغاز عملیات نظامی اسرائیل در قضیه کانال سوئز، روی داد. در آن روز به دستور ارتش، در همه روستاهای عربی-اسرائیلی هم‌جوار با مرز اردن، به خاطر وضعیت اضطراری زمان جنگ، حکومت نظامی اعلام شد که از ساعت پنج عصر شروع می‌شد و تا ساعت ۶ بامداد روز بعد ادامه می‌یافت. نیروهای نظامی مجاز بودند به هر فرد عربی که در خلال این ساعت‌ها در خیابان‌ها تردد نماید، تیراندازی کنند. اما فرمان حکومت نظامی در ساعت ۳:۳۰ بعد از ظهر به دست واحدهای پلیس مرزی اسرائیل رسید و بنابراین زمان کافی برای ابلاغ آن به اعراب منطقه که بسیاری‌شان مشغول کار در مزارع خود بودند، وجود نداشت. در کفر قاسم، نیروهای مرزی اسرائیل، در نقاط مختلف مستقر شده و روستائینی که به سوی خانه‌های خود برمی‌گشتند و هیچ اطلاعی از برقراری حکومت نظامی نداشتند را مورد هدف قرار دادند. نیروهای اسرائیلی به سوی کامیونی که حامل ۱۴ زن و ۴ مرد بود تیراندازی کردند. آنها روستائیان را از کامیون پایین کشیده و به صف کردند و سپس آنها را کشتند. جمعاً ۴۷ عرب که همگی از شهروندان اسرائیل بودند، در ساعات

اولیه حکومت نظامی در کفر قاسم کشته شدند. سر جوخه شالوم آفر،<sup>۱</sup> معاون فرمانده گروه دستور داد که چندین گلوله به بچه‌ها و زن‌ها شلیک کنند، به طوری که هیچ یک زنده نمانند.

### صهیونیسم موعودگرا<sup>۲</sup>

شناخت اندکی از ماهیت افراطی‌گری یهودی که همچنان بخش عمده‌ای از زندگی روزمره اسرائیل را تشکیل می‌دهد، وجود دارد. مارک یورگن اسمایر<sup>۳</sup>، استاد دانشگاه کالیفرنیا، به تازگی کتابی منتشر کرده است که حاوی تحقیقی پیرامون شباهت‌های موجود بین گروه‌های تروریستی دارای انگیزه‌های مذهبی، اعم از گروه‌های تروریستی یهودی، مسیحی، مسلمان، هندو، بودایی و سیک، می‌باشد. وی در این کتاب مصاحبه‌ای را نقل کرده که با یول لرنر<sup>۴</sup>، از رهبران گروه تروریستی که به جرم مشارکت در تلاش برای انفجار قبة الصخرة مدتی را در زندان گذرانید، انجام داده است:

لرنر معتقد به نوعی صهیونیسم موعود است. به نظر وی مسیح موعود بعد از این که معبد سلیمان مجدداً ساخته و برای حضور وی در آن آماده شود، به زمین رجعت خواهد کرد. موضوع معبد تنها یک موضوع نوستالژیک فرهنگی نیست بلکه یک مسأله بسیار مبرم مذهبی نیز به شمار می‌آید... به نظر لرنر، فلاح و نجات تمام جهان بستگی به تلاش‌های یهودیان در فراهم آوردن شرایط لازم برای رستگاری مسیحایی دارد... وی به من گفت که در طول ماه‌های قبل از ترور رایین، بحث‌های فراوانی در مورد توجیهات شرعی، برای ترور - یا به قول لرنر "اعدام"<sup>۵</sup> - رهبران یهودی که به طور خطرناکی بی‌تعهد و عملاً دشمن

1. Shalom Ofer
2. Messianic Terrorism
3. Mark Juergensmeyer
4. Yoel Lerner
5. Execution

یهودیت هستند، صورت گرفت. بنابراین برای لرنر تعجبی نداشت که فردی مثل بیگال امیر موفق به قتل رابین گردد. به گفته او تنها چیزی که وی را گیج کرده این است که چرا کسی زودتر این کار را نکرده بود. (۱۷)

مکتب صهیونیسم مسیحایی در اسرائیل، سیطره بر تمام سرزمین توراتی اسرائیل را یک تکلیف دینی می‌داند. به نظر خاخام اسحاق کوک،<sup>۱</sup> خاخام اعظم فلسطین در زمان قبل از تأسیس اسرائیل، دولت غیردینی (سکولار) اسرائیل، پیشقراول (ایجاد) اسرائیل مذهبی در آینده است. یورگن اسمایر خاطر نشان می‌کند که:

صهیونیسم موعودگرا (مسیحایی) متعاقب پیروزی‌های اسرائیل در جنگ ۶ روزه ۱۹۶۷ به شدت گسترش یافت... ملی‌گرایان یهودی تحت تأثیر الهیات کوک، متقاعد شدند که تاریخ به سرعت به سوی دوران فلاح و رستگاری ربانی و احیای مملکت توراتی اسرائیل به پیش می‌رود. برخلاف برداشت کوک از صهیونیسم موعودگرا، کاهانه هیچ اهمیتی برای دولت غیردینی یهود، از نقطه نظر مذهبی قائل نیست. به نظر کاهانه، آرمان تأسیس اسرائیل مذهبی در آینده عملی خواهد شد. با وجود این وی فکر می‌کند که او و پارتیزان‌هایش می‌توانند در تحقق این غایت مسیحایی کمک کنند. اینجاست که نظریه "کیدوش هاشم" کاهانه اهمیت پیدا می‌کند: هر چقدر یهودیان بیشتر عزت یابند و دشمنان آنها خوار و زبون گردند، نام خداوند اعتلا می‌یابد و در نتیجه احتمال رجعت مسیح بیشتر می‌شود. (۱۸)

---

1. Yitzhak Kook

به نظر یورگن اسمایر، تندروان یهودی عمیقاً بر این باورند که توسل به اقدامات خشونت‌آمیز به عنوان سلاحی برای پیشبرد یک "جنگ الهی مورد رضای خداوند"، مجاز و مشروع است. از همین رو است که کشتار هبرون در ۱۹۹۴، به عنوان یک عملیات نظامی معرفی می‌شود.

### تهدیدهای تروریستی نوین

آژانس تلگراف یهود در ماه ژوئن سال ۲۰۰۰ گزارش داد که «نامه‌های تهدیدآمیز به طور مرتب به دفتر نخست وزیر می‌رسد. در نامه‌ای که اخیراً از طرف فردی ناشناس برای بنی‌الن،<sup>۱</sup> از اعضای کنیست، فرستاده شده آمده است: نظر قطعی من این است که باید برای کشتن ایهود باراک نقشه‌ای طرح کرد. درست همانطور که فرآیند صلح اسلو بعد از نابودی اسحاق رابین کند شد، به همین ترتیب باید برای جلوگیری از عقب‌نشینی اسرائیل از جولان، احوود باراک را نابود کنیم. آمادگی شهرک نشینان یهودی برای "نبرد نهایی" در مناطقی چون هبرون، بیت‌اللحم و کدوموم،<sup>۲</sup> که افراطی‌گری در بالاترین سطح خود قرار دارد، بیشتر است.»

شیمون ریکلین<sup>۳</sup>، رهبر یک گروه متشکل از جوانان ستیزه‌جوی شهرک‌نشین، هشدار داد: «اگر باراک اقدام به تخلیه شهرک‌ها نماید، به قتل خواهد رسید.»<sup>(۱۹)</sup> خاخام دانیل شیلو،<sup>۴</sup> در خبرنامه شهرک محل اقامت خود اعلام کرد: «واگذاری بخش‌هایی از سرزمین اسرائیل به فلسطینیان خیانت است.» در ژوئن سال ۲۰۰۰، بنی کتساور<sup>۵</sup>، یکی از رهبران جنبش شهرک‌نشین در کرانه غربی، وزیر آموزش و پرورش و رئیس حزب طرفدار صلح "متتز"<sup>۶</sup>، آقای یاسی ساردید،<sup>۷</sup> را با عنوان «جلادی در میان جلادان» مورد خطاب قرار داد. زیرا به گفته وی، ساردید حاضر است ده‌ها هزار نفر یهودی را به زیر حاکمیت رژیم عالیجناب یاسر عرفات منتقل کند.» به

1. Benny Elon
2. Kedumum
3. Shimon Riklin
4. Daniel Shilo
5. Benny Katzover
6. Metetz
7. Yossie Sardid

نظر کتساوتز، کسانی که علیه روند صلح معترضند، لازم نیست در تظاهراتشان «کتاب قانون» را رعایت کنند.

دیوید هارویتس،<sup>۱</sup> سردبیر نشریه اورشلیم رپورت،<sup>۲</sup> در کتابی با عنوان «کمی زیادی نزدیک به خدا»<sup>۳</sup> خاطرات خود از حال و هوای تظاهراتی که توسط حزب بنیامین نتانیا هو، حزب لیکود، علیه رایین سازماندهی می شد، را این گونه شرح می دهد: «احساس می کردم در میان حیوانات وحشی قرار دارم، درندگان شریر و خشمگینی که حریصانه در طلب گوشت باشند و بوی خون شامه شان را تحریک کرده باشد. نوعی سرمستی و غرور همراه با خشم و عصبانیت در آنها به چشم می خورد، غروری که محصول یقین داشتن به پیروزی نهایی است.»<sup>(۲۰)</sup> وی از این که افراطی گری باز هم در حال ظهور است، اظهار نگرانی می کند.

به نظر می رسد در درون جامعه یهودی نیز خشونت به طور فزاینده ای در حال افزایش باشد. در ماه ژوئن [سال ۲۰۰۰] ساختمان کنیسه ای<sup>۴</sup>، متعلق به یک گروه مذهبی محافظه کار در بیت المقدس به آتش کشیده شد. به گفته سخنگوی این جنبش محافظه کار، شاهدان عینی ادعا کرده اند که به محض زبانه کشیدن آتش، چند مرد ظاهراً اصول گرا، که عرقچین مخمل سیاه رنگ بر سر داشتند، را در حال فرار مشاهده کرده اند. پیش از این حادثه، طرح هایی بر روی دیوار کنیسه نقاشی شده بود که آن را به عنوان مکانی نامناسب برای عبادت معرفی می کرد. عدم اعطای آزادی های واقعی مذهبی به فرقه های غیر ارتدوکس یهودی، اینگونه اقدامات را دامن می زند.

#### خشونت بی قید و بند

واکنش محافل دولتی و مذهبی اسرائیل در قبال اینگونه خشونت های مذهبی در کمترین حد ممکن بوده است. باربارا ساوفر<sup>۵</sup>، این نکته را متذکر می شود که هنگامی که سه کنیسه در

1. David Horovitz
2. Jerusalem Report
3. A little too close to God
4. Synagogue
5. Barbara Sofer

ساکرامنتو<sup>۱</sup>ی کالیفرنیا به آتش کشیده شد، کلیه جوامع مذهبی شهر اعم از پروتستان، کاتولیک، یهودی و مسلمان و نیز مقامات دولتی، گردهم آمدند تا همبستگی خود را در برابر این اقدام وحشیانه نشان دهند. مقامات پلیس به سرعت افراد مظنون را بازداشت کردند. وی با تأسف می‌پرسد: «اما در اسرائیل تشکیلات مذهبی ما کجاست؟ خاخام‌ها نباید ساکت بمانند... من به عنوان یک یهودی اهل بیت‌المقدس که ناظر این وقایع بوده‌ام، هر نوع خشونت علیه هر مکان مذهبی اعم از کنیسه، کلیسا یا مسجد را تقبیح می‌کنم.»<sup>(۲۱)</sup>

به عقیده سرپرست کنیسه هیلاری هرزبرگر،<sup>۲</sup> «اگر خاخام اعظم علیه چنین اعمالی موضع‌گیری می‌کرد، شاید این حادثه، اتفاق نمی‌افتاد.» خاخام احوود براندل<sup>۳</sup>، رهبر جنبش مازورتی<sup>۴</sup>، جنبش محافظه‌کار اسرائیل، نیز معتقد است که عدم واکنش جدی مقامات در آخرین باری که یک کنیسه به آتش کشیده شد، «به منزله نوعی پیام تشجیع‌کننده برای گروه‌های تندرو بود.» میرپاروش،<sup>۵</sup> نماینده کنیست و عضو جناح اصول‌گرای افراطی سازمان «یهودیان متحد توراتی»<sup>۶</sup>، جنبش محافظه‌کار را متهم کرد که خود اقدام به آتش زدن کنیسه نموده است. این تهمت باعث گردید نامی هزن<sup>۷</sup> عضو حزب سکولار مرتز،<sup>۸</sup> پاروش را به دلیل ملامت نمودن قربانی جنایت، متهم به اظهار «بیانات ضد یهودی» نماید.<sup>(۲۲)</sup>

به نظر خاخام اندروساک،<sup>۹</sup> مدیر مجمع خاخامی جنبش محافظه‌کار اسرائیل، هرگونه تغییر و بهبودی مستلزم تلاش پلیس و نیز تشکیلات اصول‌گرای افراطی است. این در حالی است که بعد از حملات صورت گرفته علیه کنیسه‌های اصلاح طلب و محافظه‌کار، پلیس هیچ یک از مظنونان را بازداشت نکرد. وقتی عاملان اینگونه اقدامات مجازات نمی‌شوند، چه عاملی می‌تواند

- 
1. Sacramento
  2. Hilary Herzberger
  3. Ehud Brandel
  4. Masorti
  5. Meir Porush
  6. United Torah Judaism
  7. Naomi Hazan
  8. Meretz
  9. Andrew Sacks

افراد را از دست زدن به این گونه اعمال باز دارد؟ (۲۳)

تردید دولت اسرائیل در اتخاذ تدابیر مقتضی علیه تروریسم یهودی، سابقه‌ای طولانی دارد. به گفته اسپرینزاک، متعاقب قتل کنت برنات،<sup>۱</sup> میانجی سازمان ملل، توسط تروریست‌های گروه لهی، مذاکراتی بین شاول اویگور،<sup>۲</sup> دستیار نخست وزیر بن گورین<sup>۳</sup> و رهبران گروه لهی (از جمله اسحاق شامیر که بعدها نخست وزیر اسرائیل شد) که در آن زمان زندگی مخفی داشتند، صورت گرفت. در جریان این مذاکرات:

موافقتنامه‌ای بین دو طرف به امضا رسید که براساس آن رهبران لهی متعهد می‌شدند کلیه عملیات‌های خرابکارانه خود را متوقف کنند، مشروط به این که اعضای لهی در ارتش مورد تبعیض قرار نگیرند. اویگور از شامیر خواست اسامی قاتلان را به او بگوید و قول داد که هیچ اتفاقی برای آن‌ها نخواهد افتاد. اما شامیر از ذکر نام آنها خودداری کرد. اعضای گروه ضربت، هیچ یک نه شبی را در زندان گذراندند و نه هیچ گاه مورد محاکمه قرار گرفتند. سال‌ها ماجرای قتل برنات به سکوت برگزار شد... در سال ۱۹۶۰، اسرائیل الداد،<sup>۴</sup> پرحرف‌ترین فرمانده گروه لهی، نزد گیدون هوسنر، دادستان کل کشور، رفت و پیشنهاد کرد که حقایق مربوط به قتل برنات را برای او شرح دهد. [اما] پاسخ هوسنر این بود: خدا نکند! آیا می‌دانی که چه دردسری برای کشورت درست خواهی کرد؟ (۲۴)

اکنون، به موازات حرکت هر چند کند و لاک پشتی رهبران غیردینی اسرائیل و فلسطینی‌ها به سمت توافقنامه نهایی صلح، زمان آن فرا رسیده است که واقع‌گرایانه با پدیده

1. Count Folke Bernadotte
2. Shaul Avigur
3. David Ben Gurion
4. Israel Eldad

تروریسم صهیونیستی و سابقه طولانی آن برخورد شود. این گروه‌های تروریستی، اقلیت‌های کوچک اما با نفوذی را نمایندگی می‌کنند. با وجود این، آنها توانسته‌اند به رغم تعداد [اندک]شان، تأثیرگذاری فوق‌العاده‌ای داشته باشند. اگر با تاریخ به نحو مقتضی برخورد نشود، هم برای فلسطین و هم برای اسرائیل محال است بتوانند فراتر از آن حرکت کنند و اگر اجازه داده شود فرصت کنونی برای صلح از دست رود، تنها تعدادی انگشت شمار در هر یک از دو سو، از بی‌نظمی و هرج و مرج حاصله متفجع خواهند شد.





## یادداشت‌ها

1. See Michael Karpin and Ina Friedman, *Murder in the Name of God: The Plot to Kill Yitzhak Rabin* (London: Granta Books, 1998), pp. 4-5.
2. *Ibid.*, pp. 8-9.
3. Donald Neff, "Jewish Defense League Unleashes Campaign of Violence in America", *Washington Report on Middle East Affairs*, (July-August 1999), p. 81.
4. *Ibid.*
5. Ehud Sprinzak, *Brother against Brother: Violence and Extremism in Israeli Politics from Atlanta to the Rabin Assassination* (New York: The Free Press, 1999), p. 145.
6. *Ibid.*, p. 145.
7. *Ibid.*, p. 145.
8. *Ibid.*, p. 165.
9. Yair Kotler, *Heil Kahane* (New York: Adama Books, 1986), p. 198.
10. Sprinzak, *Brother against Brother*, p. 242.
11. *Ibid.*, p. 245.
12. See Karpin and Friedman, *Murder in the Name of God*, pp. 83-5.
13. *Ibid.*, pp. 105-7.
14. Sprinzak, *Brother against Brother*, pp. 259-60.
15. *Ibid.*, p. 277.
16. David Shipler, *Arab and Jew: Wounded Spirits in a Promised Land* (New York: Times Books, 1986), pp. 37-8.
17. Mark Juergensmeyer, *Terror in the Mind of God: The Global Rise of Religious Violence*

(Berkeley, Calif: University of California Press, 2000), pp. 46-7.

18. *Ibid.*, pp. 54-5.

19. *Jerusalem Report*, 3 July 2000.

20. David Horovitz, cited in the *New York Times*, 30 July 2000.

21. "Jerusalem Conservative Synagogue Torched," *Jerusalem Post* (International edition), 30 June 2000.

22. *Ibid.*,

23. "Not on Its Own", *Jerusalem Post* (International edition), 7 July 2000.

24. Sprinzak, *Brother against Brother*, pp. 46-7.

